

Marital Infidelity Based on Islamic Sources and Its Prediction Based on the Role of Spouses and Marital Satisfaction

 **Fahimeh Mehrabi**  / Master's student in Psychology, Hoda College fahimmehraab@gmail. Com

Mohammad Zarei Tupkhaneh / Assistant Professor, Department of Psychology, Research Institute of Hawzeh and University mohammad1358z@gmail. com

Received: 2025/10/05 - **Accepted:** 2025/12/03

Abstract

One of the most serious threats that destabilizes the foundation of the family is marital infidelity. The present study aimed to examine marital infidelity based on Islamic sources and to predict the tendency toward it, based on the role of spouses and marital satisfaction. The statistical population of the study included married men and women in Tehran, from which a sample of 111 individuals was selected using convenience sampling. The data collection tools were Islamic scales of tendency toward infidelity and the role of spouses, as well as a marital satisfaction scale. Pearson correlation coefficient and stepwise regression analysis were used to analyze the data. The findings showed that the higher the quality of spousal roles and the level of marital satisfaction, the lower the tendency toward infidelity. The results of regression analysis also indicated that the role of spouses and marital satisfaction could predict the tendency toward infidelity. Comparisons of means also showed that the tendency toward infidelity was higher in men than in women. The results of this study emphasize strengthening religious teachings related to the consolidation of family roles and the importance of the quality of marital interactions in reducing the tendency toward infidelity."

Keywords: Marital infidelity, role of spouses, marital satisfaction, Islamic sources.

پیمان شکنی زناشویی بر اساس منابع اسلامی و پیش بینی آن بر پایه نقش همسران و رضایت زناشویی

fahimmehraab@gmail.com

mohammad1358z@gmail.com

کف فهیمة محرابی  / دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی دانشکده هدی

محمد زارعی توپخانه / استادیار گروه روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

چکیده

از مهم ترین تهدیدهایی که بنیان خانواده را متزلزل می کند، پیمان شکنی در زناشویی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی پیمان شکنی زناشویی بر اساس منابع اسلامی و پیش بینی گرایش به آن بر اساس نقش همسران و رضایت زناشویی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل زنان و مردان متأهل شهر تهران بود که نمونه ای به حجم ۱۱۱ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. ابزار گردآوری داده ها، مقیاس های اسلامی گرایش به پیمان شکنی و نقش همسران، و مقیاس رضایت زناشویی بود. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده گردید. یافته ها نشان داد هرچه کیفیت نقش همسران و سطح رضایت زناشویی بالاتر باشد، گرایش به پیمان شکنی کاهش می یابد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر آن بود که نقش همسران و رضایت زناشویی توان پیش بینی گرایش به پیمان شکنی را دارند. مقایسه میانگین ها نیز نشان داد گرایش به پیمان شکنی در مردان بیشتر از زنان است. نتایج این پژوهش بر تقویت آموزه های دینی مرتبط با تحکیم نقش های خانوادگی و اهمیت کیفیت تعاملات زناشویی در کاهش گرایش به پیمان شکنی تأکید دارد.

کلیدواژه ها: پیمان شکنی زناشویی، نقش همسران، رضایت زناشویی، منابع اسلامی.

مقدمه

پیمان‌شکنی زناشویی یکی از چالش‌های پیچیده و چندبعدی در روابط انسانی است که نه‌تنها پیامدهای فردی و روان‌شناختی عمیقی بر قربانیان آن می‌گذارد، بلکه ساختار خانواده و جامعه را نیز با بحران مواجه می‌سازد. در قرآن کریم، پیمان زناشویی «میثاق غلیظ» و از محکم‌ترین پیمان‌ها معرفی شده و می‌فرماید: «زنان (در ازدواج)، پیمانی محکم و سنگین از شما گرفتند» (نساء: ۲۱)؛ بنابراین شکستن این پیمان، عملی شدیداً نکوهیده تلقی شده است. در روایات نیز پیمان‌شکنی زناشویی در روابط زناشویی به‌صراحت مذموم شمرده شده است. امام صادق (ع) فرمود: «خداوند خانه‌ای را که در آن وفا باشد دوست دارد، و خانه‌ای که در آن خیانت باشد ناپسند می‌شمارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق).

پیمان‌شکنی می‌تواند طول عمر رابطه زناشویی را کاهش داده و به طلاق منجر شود؛ رخدادی که خود، پیامدهایی همچون از هم پاشیدن خانواده، نابودی آینده فرزندان و آسیب‌های روانی و اجتماعی گسترده را به دنبال دارد (تقی‌پوری، ۱۴۰۱؛ زارعی و همکاران، ۱۴۰۲). پیامدهای پیمان‌شکنی محدود به بعد خانوادگی نیست و قربانیان آن اغلب با اختلالات عاطفی، شناختی، رفتاری و جسمی مواجه می‌شوند؛ اختلالاتی که سلامت روان و کیفیت زندگی فردی و اجتماعی آنان را به‌طور جدی تهدید می‌کند (زارعی، ۱۴۰۲). حتی برخی مطالعات نشان داده‌اند که تجربه پیمان‌شکنی می‌تواند به اختلال استرس پس از سانحه شباهت داشته باشد و قربانیان دچار نشخوار ذهنی، اجتناب هیجانی و تمایل به انتقام شوند. بنابراین توجه به عوامل زمینه‌ساز این پدیده و راهکارهای پیشگیری از آن ضرورتی انکارناپذیر است.

در سال‌های اخیر، با گسترش فضای مجازی، تعریف پیمان‌شکنی زناشویی دچار تحول شده است. امروزه، پیمان‌شکنی تنها به روابط فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه شامل ارتباطات عاطفی و مجازی، تبادل محتوای صمیمانه و حتی خیال‌پردازی‌های بیرون از چارچوب ازدواج نیز می‌شود (Schmiedeberg & Bozoyan, 2023). این گسترش مفهومی نه‌تنها تشخیص پیمان‌شکنی را دشوارتر کرده، بلکه پیامدهای روانی آن را نیز عمیق‌تر ساخته است (Roby, 2024). به همین دلیل، بررسی پیمان‌شکنی نیازمند دیدگاهی جامع و چندبعدی است. از برخی پژوهش‌های اسلامی درباره مفهوم پیمان‌شکنی زناشویی به‌دست می‌آید که بر اساس دیدگاه اسلامی، هرگونه روابط عاطفی یا جنسی غیرشرعی که فرد با غیر از همسر خود داشته باشد، پیمان‌شکنی زناشویی دانسته می‌شود (زارعی، ۱۴۰۲).

پژوهشگران معتقدند این پدیده تک‌عاملی نیست، بلکه مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در بروز آن نقش دارند (ساعی شریفی، ۲۰۲۳). رویکرد خداسو معتقد است که پیمان‌شکنی حاصل هم‌افزایی میان عوامل فردی و ارتباطی است؛ به‌گونه‌ای که بدون اصلاح هم‌زمان این دو حوزه، نمی‌توان انتظار داشت درمان یا پیشگیری به نتیجه مطلوب برسد (زارعی، ۱۴۰۴).

عوامل ارتباطی که به کیفیت تعامل زوجین و شرایط پیرامونی آنها مربوط است، شامل مواردی مانند ضعف نقش تکیه‌گاهی در مردان (قال رسول الله ﷺ: «أَيُّمَا رَجُلٍ رَضِيَ بَتْرَيْنِ امْرَأَتِهِ وَتَخْرُجَ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيُّوتٌ وَلَا يَأْتُمُ مَنْ يُسْمِيهِ دَيُّوتًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۱۱۶))، پیشینه‌های خانوادگی («عنه ﷺ: عَفَا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّ نِسَاؤُكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۱۸)) و قومی - اجتماعی («قال رسول الله ﷺ: خَيْرُ نِسَائِكُمْ نِسَاءُ قَرِيبٍ؛ رَقَاتِقٌ عَلَى أَزْوَاجِهِنَّ، أَعْفَاءٌ عِنْدَ غَيْرِهِمْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۷))، بی‌توجهی به آراستگی ظاهری («پیامبر ﷺ: مَنْ شَرَّ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةُ إِذَا غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا، الْحِصَانُ مَعَهُ إِذَا حَضَرَ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۶۵))، کمبود توجه به نیازهای عاطفی زنان («الإِمَامُ عَلِيُّ ﷺ: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ مَلَأَ أَهْلُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳))، نوع پوشش و سبک ظاهر («إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ نَهَى عَنِ الْقَنَازِعِ وَالْقَصَصِ وَنَقَشِ الْخِصَابِ عَلَى الرَّاحَةِ وَقَالَ إِنَّمَا هَلَكَتْ نِسَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ قَبْلِ الْقَصَصِ وَنَقَشِ الْخِصَابِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۸۶))، نارضایتی یا کمبود در حوزه نیازهای جنسی («قال الإمام الصادق ﷺ: «مَنْ اخْتَارَ زَوْجَةً وَلَمْ يُجَامِعْهَا أَرْبَعِينَ يَوْمًا، فَإِذَا أَثَمَ فَلَا تُمْ عَلَيْهِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۳۹))، ضعف در پذیرش و انعطاف‌پذیری زنان (پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكَبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ فَقَالَ عَلِيُّ ﷺ وَمَا تِلْكَ الطَّاعَةُ قَالَ يَأْذَنُ لَهَا فِي الذَّهَابِ إِلَى الْحَمَّامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالنِّبَاحَاتِ وَبُسِ الثِّيَابِ الرَّقَاقِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۷))، و همچنین روابط مختلط و مرزهای نامشخص («وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ» (یوسف، ۲۳)) است؛

عوامل فردی، بیشتر به ویژگی‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و فردی برمی‌گردد؛ از جمله این عوامل می‌توان به ضعف پایبندی‌های مذهبی و اعتقادی (امام علی ﷺ می‌فرماید: «انسان مسلمان، از خیانت بری است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۸۴))، ناتوانی در به‌کارگیری عقلانیت در تصمیم‌گیری‌ها («قال رسول الله ﷺ: «أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَتَرْكُ الْخِيَانَةِ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸))، ضعف در خویشتن‌داری و کنترل تکان‌ها («قال الإمام الجواد ﷺ: عَنْ مُوسَى ﷺ: «اللَّهُمَّ! مَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْخِيَانَةَ حَيَاءً مِنْكَ؟ فَقَالَ: يَا مُوسَى! الْأَمَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۳۸۴))، بی‌ثباتی هیجانی («قال رسول الله ﷺ: «مَنْ كَانَ زَرَانَةً، لَمْ يُفْتَنْ فِي الشَّهْوَةِ فِي الظُّرُوفِ غَيْرِ الْمُنَاسِبَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۲۷))، کاهش حرمت و عزت‌نفس («قال الإمام علي ﷺ: «الْكِبْذُ وَالْخِيَانَةُ لَبْسَا مِنْ أَخْلَاقِ الْإِنْسَانِ الْكَرِيمِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱))، نگرش اباحه‌گرایانه نسبت به روابط («قال الإمام علي ﷺ: «الغَيُورُ لَا يَزْنِي أَبَدًا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۸۴))، بدبینی و بی‌اعتمادی مفرط («قال علي ﷺ: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ سُوءُ ظَنٍّ، ظَنَّ بِالْآخِرِينَ خِيَانَةً مَنْ لَمْ يَخُنْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۳))، و گرایش به تنوع‌طلبی («قال الإمام الصادق ﷺ: «يُبْعِضُ اللَّهُ الطَّلَاقَةَ الْمُتَنَوِّعَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۵)) اشاره کرد.

نحوه تعامل همسران و میزان رضایت آنان از زندگی مشترک، نه تنها بر سلامت روانی فردی تأثیرگذار است،

بلکه بنیان امنیت روانی فرزندان را نیز شکل می‌دهد. نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و روانی زوجین، می‌تواند از جمله عوامل زمینه‌ساز پیمان‌شکنی باشد (زارعی، ۱۳۹۷). روابط سالم زناشویی معمولاً با صمیمیت، حمایت متقابل و تعاملات مثبت مشخص می‌شوند (کورنیش، ۲۰۲۰)؛ لذا ایفای درست نقش همسری به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در پایداری روابط زناشویی اهمیت بسیاری دارد. بر اساس آموزه‌های اسلامی هم، نقش هریک از همسران در استحکام خانواده، جایگاهی بسیار مهم دارد. قرآن کریم در توصیف رابطه زن و مرد می‌فرماید: «هریک پوشش، آرامش‌بخش، نگهدارنده و مکمل دیگری است» (بقره: ۱۸۷). در روایات نیز بر حسن معاشرت و ادای نقش‌های عاطفی و مسئولیت‌های زناشویی تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي» (ابن ماجه، بی‌تا)؛ بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهترین باشد. این آموزه‌ها نشان می‌دهد که در نگاه اسلام، ایفای نقش‌های همسری اعم از محبت، مسئولیت‌پذیری، حمایت‌گری مردانه و مهرورزی زنانه، اساس سلامت خانواده است و هرگونه ضعف در این نقش‌ها می‌تواند به تزلزل رابطه و آسیب‌های عاطفی منجر شود. بنابراین نظریه اسلامی نحوه ایفای نقش همسری را جزو عوامل پیش‌بینی‌کننده ثبات یا لغزش در روابط زناشویی معرفی می‌کند.

مردان عمدتاً نیاز به اقتدار و زنان نیاز به مهر دارند. این نیازها به شکل متقابل عمل می‌کنند؛ یعنی مرد در صورتی که از سوی زن مهر دریافت کند، توان و اقتدارش به بهترین شکل ابراز می‌شود، و زن در صورتی که از مرد عشق و مهر دریافت کند، انعطاف‌پذیری و سازگاری بیشتری نشان می‌دهد. همچنین نقش‌های زوجین مبتنی بر نیازهای روان‌شناختی و توانایی‌های آنهاست و حفظ تعادل میان این نقش‌ها برای کارکرد صحیح خانواده ضروری است (زارعی ۱۳۹۷).

ایفای نقش مناسب در حوزه‌هایی مانند حمایت عاطفی، مسئولیت‌پذیری، مشارکت در تربیت فرزند و تعامل صمیمانه می‌تواند سطح رضایت زناشویی را افزایش داده و مانع بروز بحران‌هایی چون پیمان‌شکنی گردد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ آमतو، ۲۰۲۲). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها، حمایت هیجانی متقابل و ابراز محبت مستمر، از عوامل کلیدی در افزایش رضایت زناشویی و ایجاد امنیت روانی میان زوجین هستند (آमतو، ۲۰۲۲). با این حال، تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، از جمله حضور فعال زنان در محیط کار یا تغییر نقش‌های پدرانه، باعث شده است انتظارات از نقش‌های زناشویی تغییر یابد و فشار بیشتری بر روابط زوجین وارد شود (اسکندری و پرندین، ۲۰۲۳).

از سوی دیگر، رضایت زناشویی یکی از شاخص‌های بنیادین سلامت خانواده محسوب می‌شود. اسلام رضایت زناشویی را یکی از اصول حیات خانوادگی معرفی کرده است. قرآن در آیه‌ای بنیادین درباره رابطه

زن و مرد می‌فرماید: «خداوند میان همسران مودت (محبت عمیق) و رحمت (مهربانی و گذشت) قرار داده است» (روم: ۲۱)، و این دو ستون اصلی رضایت زناشویی محسوب می‌شوند که از جمله عوامل حفظ تعهد و کاهش تنش‌ها معرفی می‌شوند.

رضایت زناشویی مجموعه‌ای از احساسات لذت، خوشنودی و رضایت از رابطه است و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کاهش آن می‌تواند احتمال پیمان‌شکنی را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد (توکل، نصرآبادی و نیکبخت، ۲۰۲۰؛ سانچز و همکاران، ۲۰۲۲). در واقع، زوجینی که از ارتباط عاطفی مؤثرتری برخوردارند، از سلامت روانی و جسمی بالاتری برخوردار بوده و حتی طول عمر بیشتری دارند (مارکویتز و همکاران، ۲۰۲۲).

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه رضایت زناشویی و پیامدهای آن، بررسی هم‌زمان نقش همسران و رضایت زناشویی در پیش‌بینی گرایش به پیمان‌شکنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از تحقیقات گذشته یا صرفاً بر یکی از این متغیرها تمرکز داشته‌اند یا پیمان‌شکنی را تنها در بعد سنتی و فیزیکی آن مطالعه کرده‌اند؛ از این‌رو نیاز به پژوهشی جامع که به‌طور هم‌زمان این دو متغیر را در ارتباط با گرایش به پیمان‌شکنی بررسی کند، احساس می‌شود. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس نقش همسران و رضایت زناشویی انجام گرفته است. امید است یافته‌های این تحقیق بتواند به درک عمیق‌تر از عوامل مؤثر بر پیمان‌شکنی کمک کرده و راهکارهایی برای تقویت بنیان خانواده و ارتقای سلامت روانی و اجتماعی ارائه دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و کمی بوده و با استفاده از روش توصیفی از نوع همبستگی طراحی شد تا توان نقش همسران و رضایت زناشویی در پیش‌بینی گرایش به پیمان‌شکنی زناشویی، در افراد متأهل بررسی شود. جامعه آماری شامل کلیه افراد متأهل فعلی (زن و مرد) در سنین ۲۰-۶۰ سال با ازدواج رسمی در شهر تهران بود. نمونه‌ای شامل ۱۱۱ نفر (۳۹ مرد و ۷۲ زن) با توجه به فرمول تعیین حجم نمونه مطالعات همبستگی تاباچنیک و فیدل (۲۰۱۹) به روش در دسترس انتخاب شد. معیارهای ورود شامل ازدواج بیش از یک سال، تمایل به شرکت در پژوهش و توانایی تکمیل پرسش‌نامه‌ها بود و پاسخ‌های ناقص حذف شدند.

برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسش‌نامه معتبر استفاده شد:

۱. پرسش‌نامه گرایش به پیمان‌شکنی زناشویی زارعی (۱۴۰۲) شامل ۵۶ گویه با مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای برای اندازه‌گیری گرایش به نقض تعهد زناشویی می‌باشد. روایی پرسش‌نامه، توسط یازده متخصص روان‌شناسی تأیید شده است که در نهایت نتیجه پژوهش در شاخص

اعتمادپذیری با استفاده از نسبت روایی محتوا (CVR) برای ۹ عامل ۱/۰، برای ۱۵ عامل ۹/۰، برای ۴ عامل ۷/۰ و برای ۵ عامل ۶/۰ است که با توجه به اینکه بالاتر از ۵۹/۰ بوده، نسبت روایی محتوا تأیید شده است. همچنین مقدار برای ۲۴ عامل ۱/۰، برای ۲ عامل ۹/۰ و برای ۵ عامل ۸۱/۰ است که با توجه به بالاتر بودن از ۷۹/۰ شاخص روایی محتوا (CVI) تأیید می‌شود. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در محدوده ۸۰/۰ گزارش شده که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالای آن است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۷۶۹/۰ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

۲. پرسش‌نامه نقش و نیاز همسران سلم‌آبادی (۱۴۰۲) با ۷۵ گویه برای زنان و ۸۲ گویه برای مردان و مقیاس پنج‌درجه‌ای جهت سنجش ایفای نقش‌ها و نیازهای زوجین می‌باشد. همچنین در بخش بررسی روایی محتوایی نیز بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۴ متخصص علوم حوزوی و روان‌شناسی انتخاب و روایی توسط آنان تأیید شده است. روایی هم‌گرا و واگرای پرسش‌نامه در حد قابل قبول بوده است. پایایی پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای هر دو گروه زنان و مردان در محدوده بالای ۷/۰ گزارش شده که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالای آن است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۸۲۹/۰ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است.

۳. پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ (۴۷ گویه‌ای) با مقیاس پنج‌درجه‌ای برای ارزیابی کیفیت و رضایت زوجین از زندگی مشترک می‌باشد. روایی پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ نیز در پژوهش‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است. در ایران، سلیمانان (۱۳۷۳) روایی صوری و محتوایی ابزار را تأیید کرده است. همچنین فتحی آذر و همکاران (۱۳۸۰) با بررسی همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل، مقادیر بین ۴۱/۰ تا ۰۶/۰ را گزارش کردند که نشان‌دهنده روایی سازه مطلوب پرسش‌نامه است. در نسخه اصلی اولسون و بالین (۱۹۸۹)، همبستگی خرده‌مقیاس‌ها با رضایت زناشویی کل بین ۳۶/۰ تا ۷۲/۰ گزارش شده است. این نتایج نشان‌دهنده روایی سازه و ملاکی مناسب این ابزار می‌باشند. پایایی پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ در پژوهش‌های متعدد بررسی شده است. در نسخه اصلی اولسون و بالین (۱۹۸۹) آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه

۹۲/۰ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۶۲/۰ تا ۸۶/۰ گزارش شده است. در ایران، سلیمانان (۱۳۷۳) پایایی کل ابزار را با آلفای کرونباخ ۹۳/۰ تأیید کرده است. همچنین فتحی آذر و همکاران (۱۳۸۰) آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه را ۹۵/۰ و برای خرده‌مقیاس‌ها مقادیری بین ۶۸/۰ تا ۸۸/۰ گزارش کردند. این نتایج نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسش‌نامه اتریچ در شرایط فرهنگی مختلف است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۸۴۵/۰ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. تمامی پرسش‌نامه‌ها به‌صورت آنلاین و با رعایت رضایت آگاهانه و محرمانه بودن داده‌ها تکمیل شدند و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ انجام شد.

یافته‌ها

این پژوهش با هدف بررسی پیش‌بینی گرایش به پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس نقش همسران و رضایت زناشویی انجام شد. در بخش توصیفی، شاخص‌هایی مانند میانگین، انحراف معیار، کمین، بیشینه و درصد فراوانی برای مشخصات دموگرافیک و توزیع داده‌ها محاسبه شد. در بخش استنباطی، آزمون‌های همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرها، رگرسیون خطی چندگانه برای پیش‌بینی گرایش به پیمان‌شکنی، و آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین‌ها بین زنان و مردان به‌کار رفت. پیش‌فرض‌های لازم شامل نرمال بودن داده‌ها، استقلال مشاهدات و همگنی واریانس‌ها بررسی شدند تا اعتبار نتایج تضمین شود.

پس از تحلیل داده‌ها، ویژگی‌های توصیفی جمعیت‌شناختی و متغیرهای اصلی پژوهش روشن شدند. از مجموع ۱۱۱ شرکت‌کننده، ۹/۶۴ درصد زن و ۱/۳۵ درصد مرد بودند و بیشترین فراوانی سنی مربوط به بازه ۳۱-۴۰ سال بود. از نظر تحصیلات، اکثریت پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی بودند که نشان‌دهنده حضور افراد تحصیل‌کرده در نمونه بود.

برای بررسی ویژگی‌های نمونه و مقادیر مرکزی و پراکندگی متغیرهای اصلی و زیرمؤلفه‌ها، شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) محاسبه شد. نتایج این تحلیل در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۲: همبستگی بین متغیرهای اصلی و زیرمؤلفه‌های نقش همسران و رضایت زناشویی با پیمان‌شکنی زناشویی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. پیمان‌شکنی زناشویی	۱											
۲. نقش همسران	۰.۰۰۰ -۷۷	۱										
۳. رضایت زناشویی	۰.۰۰۰ -۸۱	۰.۰۰۰ ۰۰۷۹	۱									
۴. تکیه‌گاهی مرد	۰.۰۰۰ ۰۰۷۱	۰.۰۰۰ ۰۰۸۷	۰.۰۰۰ ۰۰۷۵	۱								
۵. مهرورزی مرد	۰.۰۰۰ ۰۰۶۷	۰.۰۰۰ ۰۰۷۹	۰.۰۰۰ ۰۰۶۹	۰.۰۰۰ ۰۰۵۹	۱							
۶. پذیرندگی زن	۰.۰۰۰ ۰۰۶۰	۰.۰۰۰ ۰۰۷۳	۰.۰۰۰ ۰۰۶۴	۰.۰۰۰ ۰۰۶۴	۰.۰۰۰ ۰۰۵۶	۱						
۷. جلوه‌گری زن	۰.۰۰۰ ۰۰۶۴	۰.۰۰۰ ۰۰۷۳	۰.۰۰۰ ۰۰۷۵	۰.۰۰۰ ۰۰۶۰	۰.۰۰۰ ۰۰۵۵	۰.۰۰۰ ۰۰۴۶	۱					
۸. مسائل شخصی	۰.۰۰۰ -۵۸	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۵۸	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۳۲	۰.۰۰۰ ۲۷	۰.۰۰۰ ۴۴	۱				
۹. ارتباط	۰.۰۰۰ -۵۹	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۷۱	۰.۰۰۰ ۴۵	۰.۰۰۰ ۵۱	۰.۰۰۰ ۴۵	۰.۰۰۰ ۳۲	۰.۰۰۰ ۱				
۱۰. حل تعارض	۰.۰۰۰ -۵۷	۰.۰۰۰ ۵۵	۰.۰۰۰ ۶۷	۰.۰۰۰ ۴۹	۰.۰۰۰ ۴۲	۰.۰۰۰ ۳۰	۰.۰۰۰ ۶۱	۰.۰۰۰ ۳۸	۰.۰۰۰ ۴۷	۱		
۱۱. مدیریت مالی	۰.۰۰۰ -۶۶	۰.۰۰۰ ۷۳	۰.۰۰۰ ۷۴	۰.۰۰۰ ۶۶	۰.۰۰۰ ۶۴	۰.۰۰۰ ۴۰	۰.۰۰۰ ۶۲	۰.۰۰۰ ۴۱	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۵۴	۱	
۱۲. فعالیت‌های تفریحی	۰.۰۰۰ -۳۹	۰.۰۰۰ ۴۸	۰.۰۰۰ ۵۳	۰.۰۰۰ ۴۹	۰.۰۰۰ ۴۰	۰.۰۰۰ ۴۳	۰.۰۰۰ ۳۲	۰.۰۰۰ ۲۴	۰.۰۰۰ ۱۸	۰.۰۰۰ ۲۹	۰.۰۰۰ ۳۸	۱

				۱	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۳. رابطه جنسی			
				۱	۲۸	۵۲	۴۱	۴۸	۱۷	۵۰	۴۱	۴۴	۴۲	۶۵	۴۷	-۵۱				
				۱	۲۸	۱۹	۱۳	۲۱	۲۶	۲۲	۳۷	۴۰	۲۶	۲۲	۴۴	۳۱	۱۴. فرزندپروری			
				۱	۱۸	۲۲	۱۱	۲۳	۲۴	۴۷	۱۲	۳۳	۳۲	۳۴	۲۳	۵۱	۱۵. خانواده و دوستان			
				۱	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۶. نقش‌های برابر			
				۱	۰۰.۵	۰.۱	۲۲	۲۳	۲۷	۱۴	۲۱	۲۳	۲۲	۳۴	۲۶	۵۳	۴۳	۴۶	-۳۷	
				۱	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۷. گرایش مذهبی		
				۱	۳۴	۲۶	۰.۵	۲۳	۲۴	۳۹	۳۴	۱۸	۳۹	۲۴	۳۹	۵۴	۵۷	۵۰	-۴۷	
					۰.۰۰	۰.۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۸. رغبت به ادامه		
					۴۲	۲۱	۴۱	۳۴	۵۰	۳۵	۶۸	۳۳	۴۱	۳۸	۵۳	۵۵	۵۴	۷۳	۵۹	-۶۰

*P. < 0. 05

**P. < 0. 01

پیش‌آزمون‌های آماری نیز شرایط لازم برای آزمون‌های استنباطی را تأیید کردند؛ هم‌خطی چندگانه با مقادیر تولرانس بالاتر از ۲/۰ و مقادیر VIF کمتر از ۱۰، استقلال خطاها با شاخص دوربین واتسون برابر ۱۵/۲ و نرمال بودن توزیع داده‌ها با آزمون شاپیرو - ویلک ($W=۹۸.۰$ و $P=۱۸.۰$) نشان داده شد که داده‌ها برای تحلیل رگرسیونی مناسب هستند.

در جدول (۳) نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام به‌منظور پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی متغیرهای پیش‌بین و زیرمؤلفه‌های آنها در گرایش به پیمان‌شکنی ارائه شده است.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون گام به گام به منظور پیش‌بینی تعارض زناشویی از روی متغیرهای پیش‌بین و زیرمقیاس‌های آنها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
۱. پیمان شکنی زناشویی	۱																
۲. نقش همسران	۰.۰۰۰ -۷۷	۱															
۳. رضایت زناشویی	۰.۰۰۰ -۸۱	۰.۰۰۰ ۰۰۷۹	۱														
۴. تکیه گاهی مرد	۰.۰- ۰۰۷۱	۰.۰۰۰ ۰۰۸۷	۰.۰۰۰ ۰۰۷۵	۱													
۵. مهرورزی مرد	۰.۰- ۰۰۶۷	۰.۰۰۰ ۰۰۷۹	۰.۰۰۰ ۰۰۶۹	۰.۰۰۰ ۰۰۵۹	۱												
۶. پذیرندگی زن	۰.۰- ۰۰۶۰	۰.۰۰۰ ۰۰۷۳	۰.۰۰۰ ۰۰۶۴	۰.۰۰۰ ۰۰۶۴	۰.۰۰۰ ۰۰۵۶	۱											
۷. جلوه گری زن	۰.۰- ۰۰۶۴	۰.۰۰۰ ۰۰۷۳	۰.۰۰۰ ۰۰۷۵	۰.۰۰۰ ۰۰۶۰	۰.۰۰۰ ۰۰۵۵	۰.۰۰۰ ۰۰۴۶	۱										
۸. مسائل شخصیتی	۰.۰۰۰ -۵۸	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۵۸	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۳۲	۰.۰۰۰ ۲۷	۰.۰۰۰ ۴۴	۱									
۹. ارتباط	۰.۰۰۰ -۵۹	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۷۱	۰.۰۰۰ ۴۵	۰.۰۰۰ ۵۱	۰.۰۰۰ ۴۵	۰.۰۰۰ ۵۴	۰.۰۰۰ ۳۲	۱								
۱۰. حل تعارض	۰.۰۰۰ -۵۷	۰.۰۰۰ ۵۵	۰.۰۰۰ ۶۷	۰.۰۰۰ ۴۹	۰.۰۰۰ ۴۲	۰.۰۰۰ ۳۰	۰.۰۰۰ ۶۱	۰.۰۰۰ ۳۸	۰.۰۰۰ ۴۷	۱							
۱۱. مدیریت مالی	۰.۰۰۰ -۶۶	۰.۰۰۰ ۷۳	۰.۰۰۰ ۷۴	۰.۰۰۰ ۶۶	۰.۰۰۰ ۶۴	۰.۰۰۰ ۴۰	۰.۰۰۰ ۶۲	۰.۰۰۰ ۴۱	۰.۰۰۰ ۴۷	۰.۰۰۰ ۵۴	۱						
۱۲. فعالیت های تفریحی	۰.۰۰۰ -۳۹	۰.۰۰۰ ۴۸	۰.۰۰۰ ۵۳	۰.۰۰۰ ۴۹	۰.۰۰۰ ۴۰	۰.۰۰۰ ۴۳	۰.۰۰۰ ۳۲	۰.۰۰۰ ۲۴	۰.۰۰۰ ۱۸	۰.۰۰۰ ۲۹	۰.۰۰۰ ۳۸	۱					

					۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۳. رابطه جنسی
				۱	۲۸	۵۲	۴۱	۴۸	۱۷	۵۰	۴۱	۴۴	۴۲	۶۵	۴۷	۵۱		
				۱	۲۸	۱۹	۱۳	۲۱	۲۶	۲۲	۳۷	۴۰	۲۶	۲۲	۴۴	۳۱	۱۴. فرزندپروری	
				۱	۱۸	۲۲	۱۱	۲۳	۲۴	۴۷	۱۲	۳۳	۳۲	۳۴	۲۳	۵۱	۱۵. خانواده و دوستان	
				۱	۰.۰۵	۰.۱	۲۲	۲۳	۲۷	۱۴	۲۱	۲۳	۲۲	۳۴	۲۶	۵۳	۴۳	۱۶. نقش‌های برابر
				۱	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۱۷. گرایش مذهبی
				۱	۳۴	۲۶	۰.۵	۲۳	۲۴	۳۹	۳۴	۱۸	۳۹	۳۹	۲۴	۳۹	۵۴	۱۸. رغبت به ادامه
					۰.۰۰	۰.۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	۰.۰۰	
					۴۲	۲۱	۴۱	۳۴	۵۰	۳۵	۶۸	۳۳	۴۱	۳۸	۵۳	۵۵	۵۴	

۱. تکیه‌گاهی مرد

۲. تکیه‌گاهی مرد + مهرورزی مرد

۳. تکیه‌گاهی مرد + مهرورزی مرد + مسائل شخصیتی

۴. تکیه‌گاهی مرد + مهرورزی مرد + مسائل شخصیتی + ارتباط

۵. تکیه‌گاهی مرد + مهرورزی مرد + مسائل شخصیتی + ارتباط + رغبت به ادامه

۶. تکیه‌گاهی مرد + مهرورزی مرد + مسائل شخصیتی + ارتباط + رغبت به ادامه + حل تعارض

همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، از میان زیرمؤلفه‌های مذکور، تنها دو حوزه تکیه‌گاهی مرد و مهرورزی مرد از زیرمؤلفه‌های متغیر پیش‌بین نقش همسران و چهار زیرمؤلفه مسائل شخصیتی، ارتباط، رغبت به ادامه و حل تعارض از زیرمؤلفه‌های متغیر پیش‌بین رضایت زناشویی، توانایی پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی را دارند. نسبت‌های معنادار F بیانگر آن است که متغیرهای پیش‌بین از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند ($P < 0.05$).

در جدول (۴) ضریب تعیین و نسبت‌های تحلیل رگرسیون ارائه شده است.

جدول ۴: ضریب تعیین و ضرایب رگرسیون مربوط به پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی از روی متغیرهای پیش‌بین و زیرمقیاس‌های آنها

مدل	B	SE	β	t	P	R	R^2	change			
								RSC ^۱	F	Df ^۱	Df ^۲
۱. تکیه‌گاهی مرد	-۲۷.۴۱	۸۴.۳	-۷۱.۰	-۷۴.۱۰	۰۰۱.۰	۷۱۷.۰	۵۱۴.۰	۵۱۴.۰	۴۶۳.۱۱۵	۱	۱۰۹
۲. تکیه‌گاهی مرد	-۰۳.۲۸	۲۶.۴	-۴۸.۰	۵-۵۷.۶	۰۰۱.۰	۷۸۳.۰	۶۱۴.۰	۰۹۹.۰	۷۳.۲۷	۱	۱۰۸
مهرورزی مرد	۱۶ -۶۳۵	۱۵۹.۳	-۳۹.۰	-۲۶	۰۰۱.۰						
۳. تکیه‌گاهی مرد	-۶۵.۲۰	۲۱.۴	-۳۵.۰	-۸۹.۴	۰۰۱.۰	۸۲۴.۰	۶۷۸.۰	۰۶۵.۰	۵۰.۲۱	۱	۱۰۷
مهرورزی مرد	-۸۶.۱۵	۹۰.۲	-۳۷.۰	-۴۶.۵	۰۰۱.۰						
مسائل شخصیتی	-۴۱.۱۰	۲۴۵.۲	-۲۹.۰	-۶۳.۴	۰۰۱.۰						
۴. تکیه‌گاهی مرد	-۴۹.۱۸	۰۷.۴	-۳۲.۰	-۵۴.۴	۰۰۱.۰	۸۴۳.۰	۷۱۰.۰	۰۳۲.۰	۶۹.۱۱	۱	۱۰۶
مهرورزی مرد	-۴۷.۱۲	۹۳.۲	-۲۹.۰	-۲۴.۴	۰۰۱.۰						
مسائل شخصیتی	-۵۱.۹	۱۵۰۲	-۲۶.۰	-۴۱.۴	۰۰۱.۰						
ارتباط	-۷۱.۶	۹۶.۱	-۲۱.۰	-۴۲.۳	۰۰۱.۰						

۵. تکیه‌گاهی												
مرد												
مهرورزی	۰۰۱.۰	-۰۸.۴	-۲۸.۰	۰۷.۴	-۶۲.۱۶							
مرد	۰۰۱.۰	-۴۸.۳	-۲۴.۰	۰۰.۳	-۴۷.۱۰							
مسائل	۰۰۱.۰	-۰۷.۴	-۲۴.۰	۱۴.۲	-۷۲.۸							
شخصیتی	۰۰۲.۰*	-۱۹.۳	-۱۹.۰	۹۳.۱	-۱۹.۶							
ارتباط	۰۲۲.۰*	-۳۱.۲	-۱۵.۰	۲۶.۲	-۲۴.۵							
رغبت به												
ادامه												
۶. تکیه‌گاهی												
مرد												
مهرورزی	۰۰۱.۰	-۵۷.۳	-۲۵.۰	۰۸.۴	-۶۰.۱۴							
مرد	۰۰۱.۰	-۳۲.۳	-۲۳.۰	۹۵.۲	-۸۴.۹							
مسائل	۰۰۱.۰	-۷۰.۳	-۲۲.۰	۱۲.۲	-۸۹.۷							
شخصیتی	۰۱۲.۰*	-۵۴.۲	-۱۶.۰	۹۶.۱	-۰۱.۵							
ارتباط	۰۱۷.۰*	-۴۱.۲	-۱۵.۰	۲۲.۲	-۳۶.۵							
رغبت به	۰۲۴.۰*	-۲۹.۲	-۱۴.۰	۲۸.۲	-۲۶.۵							
ادامه												
حل تعارض												

*P. < 0. 05

**P. < 0. 01

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، حوزه‌های تکیه‌گاهی مرد، مهرورزی مرد، مسائل شخصیتی، ارتباط، رغبت به ادامه و حل تعارض، با هم توانایی تبیین ۷۳/۸ درصد از واریانس تغییرات پیمان‌شکنی زناشویی را به‌طور معنادار دارند. بر اساس نتایج مندرج در جدول، محدوده تکیه‌گاهی مرد به تنهایی توانایی تبیین ۵۱/۴ درصد از واریانس پیمان‌شکنی زناشویی را دارد، با اضافه شدن مؤلفه مهرورزی مرد این میزان به ۶۱/۴ درصد، با اضافه شدن مؤلفه مسائل شخصیتی به ۶۷/۸ درصد، با اضافه شدن مؤلفه ارتباط به ۷۱ درصد، با اضافه شدن مؤلفه رغبت به ادامه

به ۷۲/۴ درصد می‌رسد. بنابراین با توجه به این نتایج به نظر می‌رسد که از میان مؤلفه‌های مذکور، مؤلفهٔ تکیه‌گاهی مرد سهم بیشتری در پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی دارد.

ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش‌بین نیز نشان می‌دهد که در مدل اول محدودهٔ تکیه‌گاهی مرد ($\beta=0/71$) با توجه به آمارهٔ t می‌تواند تغییرات مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی را با اطمینان ۹۹ درصد پیش‌بینی کند. همچنین در مدل دوم با اضافه شدن مؤلفهٔ مهرورزی مرد با توجه به آمارهٔ t دو متغیر محدودهٔ تکیه‌گاهی مرد ($\beta=0/48$) و مهرورزی مرد ($\beta=0/39$) با هم می‌توانند تغییرات مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی را با اطمینان ۹۹ درصد پیش‌بینی کنند. در مدل سوم با اضافه شدن مؤلفهٔ مسائل شخصیتی با توجه به آمارهٔ t سه متغیر محدودهٔ تکیه‌گاهی مرد ($\beta=0/35$)، مهرورزی مرد ($\beta=0/37$) و مسائل شخصیتی ($\beta=0/29$) با هم می‌توانند تغییرات مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی را با اطمینان ۹۹ درصد پیش‌بینی کنند. در مدل چهارم با اضافه شدن مؤلفهٔ ارتباط با توجه به آمارهٔ t چهار متغیر محدودهٔ تکیه‌گاهی مرد ($\beta=0/32$)، مهرورزی مرد ($\beta=0/29$)، مسائل شخصیتی ($\beta=0/26$) و ارتباط ($\beta=0/21$) با هم می‌توانند تغییرات مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی را با اطمینان ۹۹ درصد پیش‌بینی کنند. در مدل پنجم با اضافه شدن مؤلفهٔ رغبت به ادامه، با توجه به آمارهٔ t پنج متغیر تکیه‌گاهی مرد ($\beta=0/28$)، مهرورزی مرد ($\beta=0/24$)، مسائل شخصیتی ($\beta=0/24$)، ارتباط ($\beta=0/19$) و رغبت به ادامه ($\beta=0/15$) با هم می‌توانند تغییرات مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی را با اطمینان ۹۹ درصد پیش‌بینی کنند. در مدل ششم با اضافه شدن مؤلفهٔ حل تعارض، با توجه به آمارهٔ t شش متغیر تکیه‌گاهی مرد ($\beta=0/25$)، مهرورزی مرد ($\beta=0/23$)، مسائل شخصیتی ($\beta=0/22$)، ارتباط ($\beta=0/16$)، رغبت به ادامه ($\beta=0/15$) و حل تعارض ($\beta=0/14$) با هم می‌توانند تغییرات مربوط به پیمان‌شکنی زناشویی را با اطمینان ۹۹ درصد پیش‌بینی کنند.

علاوه بر تحلیل رگرسیون، به‌منظور مقایسهٔ میانگین نمرات دو گروه، به‌عنوان یک یافتهٔ جانبی، آزمون t مستقل به‌صورت جانبی انجام شد که نتایج آن در جدول (۴) آمده است.

جدول ۵: شماره ۱ آزمون T

متغیر	جنسیت	N	M	SD
پیمان‌شکنی	۱	۷۲	۵۴.۲۲۵	۳۹۹.۲۱
زناشویی	۲	۳۹	۲۴۰	۸۹۰.۲۰

جدول ۶: شماره ۲ آزمون T

Levene's Test	F	P	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Diff	SE Diff	95% CI [LL,UL]
فرض بر برابری واریانس‌ها	۶۲۹.۰	۰.۰۰۰	-۶۴۵.۴	۱۰۹	۰.۰۰۰	۴۶.۱۴	۱۹.۴	۱۶.۶ تا ۷۶.۲۲

بررسی تفاوت‌های جنسیتی نشان داد که میانگین گرایش به پیمان‌شکنی در مردان بالاتر از زنان است ($M=240$ در برابر $M=225.54$) و این تفاوت آماری معنادار بود ($t=-4.64, p<0.001$). این یافته‌ها بیانگر وجود تفاوت‌های قابل توجه در گرایش به پیمان‌شکنی بر اساس جنسیت است و می‌تواند تحت تأثیر عوامل زیستی، روان‌شناختی و فرهنگی قرار گیرد. مردان ممکن است به دلیل عوامل تکاملی و تمایل به گسترش نسل و همچنین فشارهای فرهنگی و اجتماعی که به آنها آزادی عمل بیشتری می‌دهد، گرایش بیشتری به پیمان‌شکنی نشان دهند؛ درحالی‌که زنان بیشتر به نیازهای عاطفی و صمیمیت اهمیت می‌دهند. این تفاوت‌ها تأکید می‌کنند که مداخلات پیشگیرانه و برنامه‌های مشاوره زوجین باید به تفاوت‌های جنسیتی توجه داشته باشند و تمرکز ویژه بر آموزش مدیریت رفتارهای پرخطر و تقویت تعهد زوجی برای مردان داشته باشند.

به‌طور کلی، یافته‌ها نشان داد نقش همسران و رضایت زناشویی رابطه منفی و معنادار با گرایش به پیمان‌شکنی دارند و مدل‌های رگرسیونی توانستند بخش قابل توجهی از تغییرات گرایش به پیمان‌شکنی را توضیح دهند. این نتایج پایه تحلیل و بحث در بخش بعدی مقاله را تشکیل می‌دهند و اهمیت تقویت روابط همسران و افزایش رضایت زناشویی در پیشگیری از گرایش به پیمان‌شکنی را برجسته می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش همسران و رضایت زناشویی در پیش‌بینی گرایش به پیمان‌شکنی و تعیین تفاوت‌های جنسیتی در این گرایش بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نقش همسران پیش‌بینی‌کننده معناداری برای گرایش به پیمان‌شکنی است؛ به‌طوری‌که ایفای مؤثر نقش‌های همسری با کاهش گرایش به

پیمان‌شکنی همراه است. این یافته حاکی از آن است که عناصر عاطفی در روابط زناشویی نظیر خرده‌مؤلفه‌های «تکیه‌گاهی» و «مهرورزی مرد» نقش محوری در پیشگیری از پیمان‌شکنی دارند.

یافته حاضر با پژوهش‌های احمدی و زارعی (۱۴۰۱) و برخی آموزه‌های اسلامی مانند مجلسی (۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۱۱۶)، نوری (۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۶۵)، کلینی (۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۳؛ ج ۵، ص ۵۱۷)، حر عاملی (۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۸۶) و ابن‌بابویه (۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۳۹) همسو است.

از منظر نقش تکیه‌گاهی مرد، می‌توان گفت زمانی که زن احساس می‌کند همسرش منبع حمایت، امنیت و اتکاست، نیازهای دلبستگی و امنیت عاطفی‌اش ارضا می‌شود و احتمال جست‌وجوی حمایت در روابط بیرونی کاهش می‌یابد. نبود چنین نقش حمایتی، احساس تنهایی و بی‌پناهی را افزایش داده و ممکن است به شکل ناهشیار زمینه‌ساز گرایش به پیمان‌شکنی شود. این یافته با مبانی نظریه دلبستگی همخوان است که بر نقش پیوند ایمن در جلوگیری از فاصله هیجانی میان همسران تأکید دارد (بالبی، ۱۹۸۸). در مورد مهرورزی مرد نیز نتایج نشان داد که ابراز محبت و عاطفه یکی از بازدارنده‌ترین عوامل در برابر پیمان‌شکنی است. کمبود محبت، بی‌توجهی یا سردی هیجانی در رابطه، باعث می‌شود یکی از نیازهای بنیادین انسانی، یعنی نیاز به عشق و پذیرش بدون پاسخ بماند و این امر احتمال جست‌وجوی ارتباط جایگزین را افزایش می‌دهد.

به‌طور کلی، در چارچوب نظریه کارکرد خانواده، ایفای صحیح نقش‌های همسری به حفظ تعادل در نظام خانواده کمک می‌کند و باعث افزایش انسجام، احساس تعهد و رضایت زناشویی می‌شود؛ بنابراین ضعف در انجام نقش‌ها می‌تواند منجر به سردی هیجانی، تعارض و در نهایت گرایش به پیمان‌شکنی گردد. این یافته با پژوهش نیکولوا (۲۰۲۵) که نقش همسران را در پیش‌بینی پیمان‌شکنی جنسی غیرمعنادار دانسته، ناهمسو است. علت آن ممکن است به تفاوت‌های فرهنگی و ارزش‌های خانوادگی در جوامع مختلف مربوط باشد. در بافت فرهنگی ایران که پیوند خانوادگی و وفاداری ارزش بالایی دارد، ایفای نقش‌های عاطفی و مسئولانه، احتمال بروز پیمان‌شکنی را به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد.

همچنین نتایج نشان داد رضایت زناشویی نیز متغیر پیش‌بینی‌کننده معناداری برای گرایش به پیمان‌شکنی است؛ به‌گونه‌ای که یافته‌ها حاکی از آن است که عناصر شخصیتی و ارتباطی در روابط زناشویی نظیر خرده‌مؤلفه‌های «مسائل شخصیتی»، «ارتباط»، «رغبت به ادامه» و «حل تعارض»، نقش محوری در پیشگیری از پیمان‌شکنی دارند.

در خصوص مسائل شخصیتی، به نظر می‌رسد ویژگی‌هایی مانند هیجان‌طلبی، خودشیفتگی و ضعف وجدان اخلاقی می‌توانند فرد را مستعد رفتارهای پرخطر از جمله پیمان‌شکنی زناشویی کنند. از سوی دیگر، همسرانی با ثبات هیجانی، مسئولیت‌پذیری و وجدان بالا، تعهد بیشتری در حفظ رابطه نشان می‌دهند. بنابراین ترکیب

ناسازگار ویژگی‌های شخصیتی در زوجین می‌تواند کیفیت رابطه را تضعیف و میل به پیمان‌شکنی را افزایش دهد (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲).

در مورد ارتباط زناشویی، یافته‌ها نشان می‌دهد ضعف در گفت‌وگو، ناتوانی در همدلی و نبود درک متقابل، فاصله عاطفی و هیجانی میان زوجین را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، صمیمیت کاهش می‌یابد و یکی از زوجین ممکن است برای تجربه درک و نزدیکی عاطفی، به روابط بیرونی گرایش پیدا کند. پژوهش حسامی (۱۴۰۲) نیز بر نقش ارتباط مؤثر در کاهش تعارض و افزایش وفاداری تأکید دارد.

رغبت به ادامه زندگی زناشویی نیز متغیری کلیدی بود. زمانی که فرد تمایل، انگیزه و امید به تداوم زندگی مشترک دارد، حتی در مواجهه با ناراضی‌ت یا تعارض، برای حفظ رابطه تلاش می‌کند، اما کاهش رغبت به ادامه زندگی معمولاً نشانه فرسودگی عاطفی و کاهش تعهد است که می‌تواند بروز پیمان‌شکنی زناشویی را تسهیل کند. این یافته با نظریه سرمایه‌گذاری راسبالت (۱۹۸۳) همسو است که بیان می‌کند تعهد بالا مانع خروج از رابطه می‌شود.

در نهایت، مهارت حل تعارض یکی از مؤلفه‌های مهم بازدارنده از پیمان‌شکنی بود. توانایی زوجین در گفت‌وگو، درک دیدگاه یکدیگر و حل مشکلات بدون تحقیر یا طرد، موجب حفظ پیوند عاطفی و اعتماد می‌شود. در مقابل، تعارض‌های حل نشده به انباشت خشم، ناامیدی و طرد هیجانی می‌انجامد که زمینه روابط جایگزین را فراهم می‌سازد. این نتیجه با مدل‌های ارتباطی گاتمن (۱۹۹۹) همخوان است که کیفیت گفت‌وگو و حل تعارض را تعیین‌کننده تداوم رابطه می‌داند.

ناهمسویی یافته‌ها با پژوهش‌های مانند الیانی و همکاران (۲۰۲۳) و مارتینز (۲۰۲۰) ممکن است ناشی از تفاوت در بافت فرهنگی و نوع روابط زناشویی در جوامع غربی باشد که روابط آزادتر و معیارهای متفاوتی برای تعهد زناشویی دارند. در جامعه ایرانی، ارزش‌های مذهبی و اجتماعی، رضایت زناشویی را به‌طور مستقیم‌تری با تعهد اخلاقی پیوند می‌دهد.

به‌طور کلی، یافته‌ها نشان دادند که ایفای صحیح نقش‌های همسری و رضایت زناشویی بالا، هر دو به‌عنوان عوامل محافظتی در برابر پیمان‌شکنی عمل می‌کنند. در جامعه ایرانی که ارزش‌های فرهنگی و مذهبی بر تعهد و وفاداری تأکید دارند، آموزش همسران در زمینه نقش‌های عاطفی، ارتباط مؤثر و مهارت‌های حل تعارض می‌تواند به پیشگیری از گرایش به پیمان‌شکنی کمک کند. یافته‌ها همچنین با تأکید آموزه‌های اسلامی درباره اهمیت وفاداری، حسن معاشرت و استحکام خانواده همسو است و می‌تواند در برنامه‌های مشاوره دینی مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود مشاوران خانواده در برنامه‌های آموزشی خود بر تقویت مؤلفه‌هایی چون آموزه‌های دینی مرتبط با تحکیم خانواده، مهرورزی، حمایت عاطفی، گفت‌وگو و تعهد تمرکز نمایند تا بنیان زندگی مشترک پایدارتر شود.

منابع

قرآن کریم.

ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

ابن ماجه، محمد بن یزید (بی‌تا). سنن ابن ماجه. بیروت: دار الفکر.

احمدی دهمند، رضا و زارعی توپخانه، محمد (۱۴۰۱). پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس مرزبندی زناشویی و میزان

رضایت زناشویی. مطالعات فلسفی کلامی، ۵(۲)، ۳۱-۵۲. https://ri.journals.miu.ac.ir/article_9772.html

اسکندری، مریم و پرندین، شیما (۱۴۰۱). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس مؤلفه‌های رضایت جنسی و صمیمیت

در زوجین. فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۶(۵۸)، ۱۸۳-۱۹۹. <https://ensani.ir/fa/article/501599/>

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع). لإحياء التراث.

حسامی، شبنم (۱۴۰۲). پیش‌بینی پیمان‌شکنی زناشویی: نقش الگوهای ارتباطی و تاب‌آوری روان‌شناختی در دانشجویان متأهل

زن. در: مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی مشاوره، کار اجتماعی و آموزش با رویکرد آینده‌نگر. بوشهر.

<https://civilica.com/doc/1797297>

زارعی توپخانه، محمد (۱۴۰۴). درمان پیمان‌شکنی زناشویی: رویکرد یکپارچه خداسو (به ضمیمه درمان‌های روان‌شناختی). قم:

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

زارعی توپخانه، محمد، جعفری، راضیه، زهیری هاشم‌زاده، علی و چراغیان، حدیث (۱۴۰۲). طراحی و ساخت مقیاس زمینه‌یابی

پیمان‌شکنی زناشویی بر اساس اندیشه اسلامی (مقیاس اولیه). اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۹(۱)، ۳۷-۶۳.

زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۷). مهر و اقتدار در خانواده. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.

سلم‌آبادی، مهدی (۱۴۰۲). ساخت پرسش‌نامه نقش و نیاز همسران بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه

آموزش عالی اخلاق و تربیت. دانشکده روان‌شناسی. قم.

ساعی شریفی، محمدحسین (۱۴۰۲). پیامدهای خیانت زناشویی در ایران؛ مطالعه فراترکیب. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر،

۱۲(۲)، ۱۶۵-۲۰۴. <https://ensani.ir/fa/article/585529>

زارعی توپخانه، محمد (۱۴۰۲). پیمان‌شکنی زناشویی (عوامل، پیامدها و مقیاس آن با رویکرد اسلامی). قم: پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه.

طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق). مکارم الأخلاق. قم: شریف رضی.

کریمی، سارا، یوسفی، رحیم و سلیمانی، مهران (۱۳۹۹). روان‌سازی پرسش‌نامه خیانت زناشویی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی،

۱۱(۲)، ۲۳۵-۲۵۰. https://cpap.shahed.ac.ir/article_2900.html

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

Amato, P. R. & Previti, D. (2003). People's reasons for divorcing: Gender, social class, the life course, and adjustment. *Journal of Family Issues*, 24(5), 602-626. <https://doi.org/10.1177/0192513X03024005002>

Bozoyan, C. & Schmiedeberg, C. (2023). What is infidelity? A vignette study on norms and attitudes toward infidelity. *Journal of Sex Research*, 60(8), 1090-1099. <https://doi.org/10.1080/00224499.2022.2104194>

Bowlby, J. (1988). *A secure base: Parent-child attachment and healthy human development*. New York: Basic Books.

Costa, P. T. & McCrae, R. R. (1992). *Revised NEO Personality Inventory (NEO PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) professional manual*. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.

Gottman, J. M. (1999). *The seven principles for making marriage work*. New York: Crown Publishers.

Kornish, M. A. , Hanks, M. A. & Gubash Black, S. M. (2020). Self-forgiving processes in therapy for romantic relationship infidelity: An evidence-based case study. *Psychotherapy*, 57(3), 352-365. <https://doi.org/10.1037/pst0000292>

Roby, F. C. L. (2024). *Infidelity, post-infidelity stress disorder, and post-infidelity stress marital outcomes (Doctoral dissertation)*. Liberty University. <https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/5703>

Kato, T. & Okubo, N. (2023). Relationship status and gender-related differences in response to infidelity. *Frontiers in Psychology*, 14(1). <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1158751>

Lee, E., Tampson, F. (2025, February 21). *I'm in it and I can't stop: Is digital cheating the worst kind of betrayal*. <https://doi.org/10.3390/ijerph20053904>

Martínez-Líbano, J. & Yeomans, M. M. (2021). Correlation among couple satisfaction, stress, anxiety, depression, and fear of COVID-19 in a sample of Chileans. *Revista Evaluar*, 22(3). <https://doi.org/10.35305/rev.evaluar.22.3.7761>

Nicolau, A. & Constantin, T. (2021). *How executive coaching helps managers increase their performance and deal with uncertainty: A systematic review*.

- Rokach, A. & Chan, S. H. (2023). Love and infidelity: Causes and consequences. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(5), 3904. <https://chatelaine.com/living/digital-cheating-relationships>
- Rusbult, C. E. (1983). A longitudinal test of the investment model: The development (and deterioration) of satisfaction and commitment in romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 45(1), 101-117.
- Sanchez, L., Whisman, M. A. , Hughes, J. A. Gordon, K. C. (2022). Diversity in the prevalence and correlates of extramarital sex in a probability sample of Latino adults. *Journal of Family Psychology*, 36(4), 555-564. <https://doi.org/10.1037/fam0000905>
- Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2019). Using multivariate statistics (7th ed.). Pearson
- Tavakol, Z., Behboodi Moghadam, Z. & Nikbakht Nasrabadi, A. (2020). Marriage, a way to achieve relaxing evolution: A grounded theory investigation. *Journal of Education and Health Promotion*, 9(1), 211. https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_386_2.